

## ۴ قطعه جدید از ۴ خواننده

محمد معتمدی، کاوه یغمایی، رضا یزدانی و محسن ابراهیمزاده نام چهار خواننده‌ای است که سبک موسیقی اصیل ایرانی، پاپ و راک را پیش گرفته‌اند. آنها این هفته قطعات جدیدی منتشر کردند.



**«شب که نسیم می‌وزد»:** محمد معتمدی  
آهنگساز قطعه جدید معتمدی، خود اوست. ترانه‌اش را بهمن محمدزاده سروده و تنظیم کننده‌اش امیر بهزاد بوده:  
شب که نسیم می‌وزد موی تو تاب می‌خورد  
دست‌مردم دوباره بر سینه خواب می‌خورد  
پیش‌دو چشم‌روشن ماه به سجده می‌رود  
آب سیاه می‌شود آینه تاب می‌خورد  
داشنت نه آنچنان ساده که فکر می‌کنم  
روی شناسنامه مهر عذاب می‌خورد  
پرسه و اشک و آه و غم طعنه و زخم دم به دم  
دیدن تو برای من این همه آب می‌خورد  
در عجبم از این که تو تیر به هر که می‌زنی  
بر دل زخمی من خانه خراب می‌خورد  
موی تو تاب می‌خورد  
باز نسیم می‌وزد موی تو تاب می‌خورد  
دستم‌مردم دوباره بر سینه خواب می‌خورد

## «جاده‌ریمیکس» کاوه یغمایی



«توی جاده، تک و تنها / به مسافر توی شبها / کوله‌بار غم رو دوش / صد هزار قصه تو گوش / نمی‌دونم که کجا بود / نمی‌دونم که کجا رفت / رو تنش گرد مصیبت / توی مرداب حقیقت / طعم تلخ / یه جدایی / اونو با غم داده عادت / نمی‌دونم که کجا بود / نمی‌دونم که کجا رفت / این بخشی از ترانه «جاده» است که ریمیکس آن به تازگی منتشر شده. آهنگساز این کار، خود کاوه یغمایی است و تنظیم کننده آن امیریار.

## «عاشق شدن» محسن ابراهیمزاده



هواداران اش را غافلگیری کند. «عاشق شدن» نام اثر تازه اوست. اثری که آهنگسازی و ترانه‌سرای اش را هم محسن برعهده داشت:

«دل‌م‌بادل تو خوشه / ایدجوری دوریت منو می‌کشه / تو باشی من رو هام / تو دوایی و دوام / بی تو دنیا رو نه نمی‌خوام / عاشق شدن راه باصفایی داره / اغم‌و بی‌قراری داره / دوست داره هر کاری می‌کنی / دل از کارات سرد آره / ایدجوری بی تایی داره / تا خود صبح بی خوابی داره / ای وای از عشق».

## «نگفتمت» رضا یزدانی



تیتراژ این برنامه که شعری از مولانا است را رضا یزدانی خوانده:

«نگفتمت مروان جا که آشنات منم؟  
در این سراب فنا چشمه حیات منم؟  
و گر به خشم روی صد هزار سال زمن  
به عاقبت به من آئی که منتها منم  
نگفتمت که به نقش جهان مشوراضی  
که نقش بندسرا پرده رضات منم  
نگفتمت که منم بحر و تو یکی ماهی  
مرو به خشک که در پای باصفا منم  
نگفتمت که چو مرغ غن به سوی دام مرو  
بیا که قوت پرواز و پر و پات منم  
نگفتمت که تو را ز نند و سرد کند  
که آتش و تپش و گرمی هوات منم  
نگفتمت که صفت‌های زشت در تونهند  
که کم کنی که سر چشمه صفا منم  
نگفتمت که مگو کار بنده از چه جهت  
نظام گیرد خلاق بی جهت منم».

موقعیت پناهگاه‌ها یا گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.

زادروز  
شماره یک  
«حالا خورشید»

برنامه «حالا خورشید» یک مجله صبحگاهی است که در فضایی شاد و صمیمی به اطلاع‌رسانی و تحلیل اخبار می‌پردازد. این برنامه در قالبی ترکیبی و گفت‌وگومحور با نگاه اجتماعی به موضوع‌های مختلف جامعه می‌پردازد. امروز تولد تهیه‌کننده و مجری «حالا خورشید» است؛ برنامه‌ای که هر روز ساعت ۸ از شبکه سه پخش می‌شود. مبارک باشد آقای رشیدپور.

## سه رمان، سه نویسنده و سه ناشر



**«صف طولانی جشن امضا برای «رهش» رضا امیرخانی»:** «طریق بسمل شدن کتابی است که بعد از ۱۰ سال مجوز گرفته»، «قهوه سرد آقای نویسنده در مدت زمان یک ماهه به چندین چاپ متوالی رسیده». اینها تیتراژی است که درباره سه کتاب زده شده: کتاب‌هایی که در بازار کم‌فروغ کتاب عنوان «پرفروش» را یدک می‌کشند.

## طریق بسمل شدن؛ محمود دولت‌آبادی؛ چشمه

طریق بسمل شدن رمانی است درباره جنگ ایران و عراق و هسته اصلی روایت آن در خط مقدم جبهه، بر تپه‌ای با نام «تپه صفر» و در میان سربازانی شکل می‌گیرد که در محاصره دشمن قرار گرفته‌اند و به دنبال راهی برای رسیدن به تانکر آب پایین‌دره هستند. محمود دولت‌آبادی درباره این رمان می‌گوید: «طریق بسمل شدن» که روایتگر محدودهای از جنگ است از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ نوشته شد و از یک سال بعد از آن در انتظار دریافت مجوز نشر بود که حالا بعد از حدود ۱۰ سال انتظار مجوز گرفته است. این کتاب در ۱۳۳ صفحه با شمارگان ۳۰ هزار نسخه و قیمت ۱۵ هزار تومان در نشر چشمه راهی بازار شده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «چنین است هم در این سوی و این یکی مرد که در دامنه البرزکوه کج می‌شود؛ کج شده است. از مچ دست تا گردن و پشت و... دیگر راست نمی‌تواند بنشیند، راست نمی‌تواند بایستد، راست نمی‌تواند راه برود و چون پلک می‌گشاید بار دیگر- مثل هر روز- به یاد می‌آورد که هیچ کس، هیچ کس خاصی نیست و انگار نبوده است تا ببیند به کفش و لباسی که باید به تن کرد. هم این شب‌هایی را با غور در فرهنگ دو قوم می‌گذراند و واکنش‌هایی از این سوی که همه روی جدال با خلافت داشته است، شگفتا؛ یعقوب رویگر هم در خط اهواز- بغداد فرمان یافت و خلیفه برادر او عمرو را پیکی فرستاد تا باز گردد از حدود و به نشاوری نشیند تا از ردهای و تحف فراز رسد با غلامان و آنچه از خواسته بایست و آن خط خون‌بار اما گویی هرگز خشک نشد از آن که این سویان بر نمی‌تافتند حضور غیر را و همواره بود این و آن هم، و آورده است ایضا آن

وزیر که اصل مذهب مزدک و خرمینیان و باطنیان هر سه یکی است! و نیز که همه، این همه از ابومسلم آغاز شد در سینه یکصدوسی و هفت از هجرت، چون ابوجعفر ابودانق او -ابومسلم صاحب‌الدوله- را یکشت؛ مردی بود سین -بادنام، رئیس شهر نشاوری که حق صحبت قدیم داشت با ابومسلم که او را بر کشیده و مقام سپهسالاری بخشیده بود از گبران...»

## قهوه سرد آقای نویسنده؛ روزبه معین؛ نیماژ

کتاب قهوه سرد آقای نویسنده یک رمان ایرانی است که در مدت زمان تقریباً یک ماهه به چندین چاپ متوالی رسیده است. ژانر این کتاب، معمایی-هیجانی است، این کتاب ماجرای یک نویسنده به نام آرمان روزبه و یک دختر روزنامه‌نگار است. کتاب با یک خاطره از دوران کودکی آرمان شروع می‌شود. خاطره‌ای که در ادامه اساس اتفاقات بعدی کتاب است.

بخشی از کتاب: «بعضی از حسرت‌ها قابل دزدیدن نیستن. اولین باری که دزدی کردم هفت سالم بود، شاید هشت سال، لقمه‌های همکلاسیم رو می‌دزدیدم، آخه خیلی خوشمزه بودن، بعد از اون دیگه دستم به دزدی عادت کرد، همه کار می‌کردم، جیب می‌زد، کف می‌رفتم، دزدی از طلافروشی که خوراکم بود، کارم به جایی رسیده بود که از پول اشباع شده بودم، ولی می‌دویدم رفا وقتی دستت کج بشه دیگه هیچ جوره درست نمیشه، من هم تفننی دزدی می‌کردم! آخرین باری که دزدی کردم به غروب چهارشنبه لب ساحل بود، یه کیف زنونه رو از روی شن‌ها کش رفتم، اما وقتی تو خونه کیف رو باز کردم خبری از پول نبود، پر بود از قلموی نقاشی، رنگ روغن، لوازم آرایش، یه عطر زنونه و یه عکس! عکس زیباترین دختری که تا حالا دیدم، با چشم‌هایی معصوم و لبخندی دلنشین، تموم شب رو داشتم به اون عکس نگاه می‌کردم، همیشه دلم می‌خواست یکی مثل اون داشته باشم، اما خب اون یه دختر زیبایی هنرمند بود و من یه دزد!»

## رهش؛ رضا امیرخانی؛ افق

به گفته امیرخانی، شخصیت اصلی داستان خانم میانسالی است به نام لیا که خودش معمار است و همراه با همسرش که معمار و در کار ساخت‌وساز

## موزه گردی

تهران موزه و باغ موزه‌های بسیاری دارد. اما این بار خبری از کاخ گلستان، کاخ نیاوران و شمس‌العماره و... نیست. این بار سراغ چهار موزه‌ای می‌رویم که کمتر درباره آنها صحبت شده. موزه‌های تهران با تنوع زیاد یکی از فرصت‌هایی است که می‌تواند ما را برای سفر در زمان همراهی کند. ما در موزه‌ها همراه با شخصیت‌ها در زمان و مکانی حرکت می‌کنیم که به تاریخ پیوسته‌اند. بعد از یک هفته خسته‌کننده

## آخر هفته با ۴ موزه کمتر شنیده‌شده

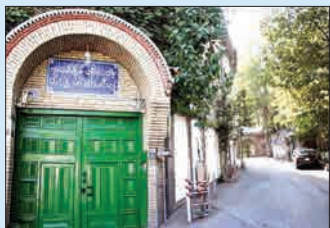
بازدید از یک موزه، چشم‌اندازی وسیع‌تر از آن‌چه که داشته‌ایم را برای ما فراهم می‌کند.

داستان گذشتگان و نیاکان ما و آرزوها و سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی شان با معماری‌شان امکان لذت‌بخشی است تا دیگر بار احساس

سرزنده بودن کنیم. موزه‌ها معمولاً برای بچه‌ها هم جذاب است. این مکان‌ها می‌تواند فراتر از تعریف معمول خود مخاطب داشته باشد: «به مکان خاصی که در آن مجموعه‌ای از آثار باستانی و صنعتی و اشیای باارزش را به معرض نمایش می‌گذارند، گفته می‌شود.» امروز یا فردا به یکی از چهار موزه‌ای که پیشنهاد کرده‌ایم سری بزنید، تا این مسأله برایتان اثبات شود.

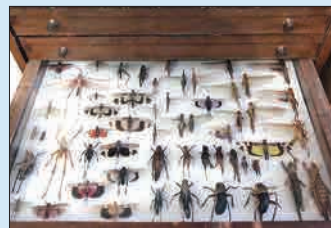
## موزه دکتر حسابی

نمای بیرونی و مشهور این موزه گویای زندگی صاحب این خانه است: «به جان زنده‌دلان سعیدیا که ملک وجود انبیرزاد آنکه وجودی ز خودبیارانند.» این موزه در محل زندگی حسابی و پس از مرگ ایشان در سال ۱۳۷۱ تأسیس شده. در این موزه تمام وسایل شخصی دکتر حسابی از سوزن‌های ایشان گرفته تا مدارک تحصیلی، دفترچه یادداشت‌ها، تقدیرنامه‌ها و عکس‌های قدیمی استاد نگهداری می‌شود. روزهای بازدید از موزه شنبه تا پنجشنبه است. آدرس: خیابان تجریش، خیابان مقصود یک، خیابان دکتر پروفیسور حسابی، پلاک ۸.



## موزه حشرات هایک میرزایانس

موزه حشرات هایک میرزایانس، با بیش از ۴ میلیون نمونه حشره، تنها مرجع رسمی شناسایی و رده‌بندی حشرات و غنی‌ترین موزه جانورشناسی ایران است. این موزه نزدیک به ۴ میلیون نمونه از حشرات ایران و چند هزار نمونه از حشرات به ویژه پروانه‌های بزرگ و زیبای نواحی گرمسیری جهان را در خود جای داده. تا به حال بین ۲۰ تا ۲۵ هزار گونه و زیرگونه از حشرات ایران موجود در موزه شناسایی شده. آدرس: بزرگراه چمران، خیابان تابناک، موسسه تحقیقات رده‌بندی حشرات.



## خانه موزه دکتر معین

این خانه یادگار به جامانده از دکتر معین است؛ خانهای که زمانی با منزل شاعر و تصنیف‌ساز مشهور ایرانی محمدعلی امیرمجاهد دیوار به دیوار بوده و حالا این دو خانه را با یکدیگر ادغام کرده‌اند. در حقیقت، فقط قسمتی از چهارچوب در بین این دو خانه به جا مانده است. این خانه سال ۸۵ توسط شهرداری تهران تملک شد. از خانه موزه معین تهران، به‌عنوان لوکیشن فیلم‌های فارسی می‌شود. کتابخانه تخصصی زبان و ادبیات فارسی هم در این مکان مراجعان بسیاری دارد. آدرس: خیابان پیروزی، میدان چهار صدستگاه، خیابان بایزیدستامی.



## موزه تاریخ

موزه تاریخ یکی از مراکز خاص کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که به منظور حفظ دستاوردهای فرهنگی، تاریخی-اسلامی و باهدف ترغیب کودکان و نوجوانان به مطالعه و شناخت بهتر تاریخ و وقایع، فعالیتش را شروع کرد. این موزه در سال ۶۹ بنا و در سال ۸۱ مرمت و بازسازی شد. ساختمان موزه تاریخ به شکل حلزونی طراحی شده که باعث می‌شود بازدیدکننده‌ها جذب معماری آن شوند. راهروهای این موزه تنگ و باریک و به‌نوعی یادآور خانه‌های قدیمی است. آدرس: میدان شهدا، خیابان پیروزی، خیابان افروز، جنب فرشته‌ها اتکا.

